

سینما در ایران □ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۲ ی

در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ در ایران بیشتر سینماها با دستگاہهای نمایش بدون صوت و صامت کار می کردند و دستگاہ نمایش فیلم ناطق عمومیت نیافته بود. از اوایل ۱۳۱۱ به تدریج چند سینما مجهز به دستگاہهای نمایش ناطق شدند و اولین فیلمهای ناطق را نشان می دادند. ولی مکالمات برای بیننده نامفهوم بود، چون بزبان خارجی در بعضی سینماها یکنفر مانند نقال داستان

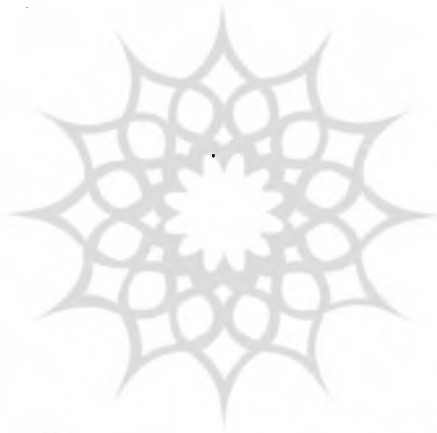
فیلم را برای مردم تعریف می کرد. در همین سالها یکی از ایرانیان بنام اردشیرتهرانی که در بمبئی یک استودیوی فیلم برداری دایر کرده بود و فیلمهای صامت تهیه می کرد پس از شنیدن آواز، اختراع دستگاههای سینمای ناطق مبادرت بخريد یک سیستم فیلمبرداری و دستگاههای ضبط صدا روی فیلم نمود و این درست چند سالی بعد از اولین فیلم ناطق دنیا بنام «عالم آرا» در استودیوی این کمپانی تهیه شده و بتدریج تا ۱۹۳۳ چند فیلم ناطق دیگر را تهیه کرد. در طول این سالها عبدالحسین سپنتا که به دعوت رئیس دانشمند یک انجمن برای ترجمه کتاب های ایران شناسی از ایران به بمبئی رفته بود و به کار ترجمه و تالیف مشغول بود با اردشیر ایرانی و استودیوی او آشنائی حاصل کرد. انکلساریا نظر اردشیر ایرانی را به ساختن یک فیلم ناطق فارسی جلب کرد. ولی از آنجا که در ایران سینماهای معدودی وسیله نمایش فیلم ناطق داشتند سرمایه گذاری در این راه و اعتماد به هزینه معروضه مخاطره داشت با وجود این از آنجا که اردشیر به وطن اصلی خود ایران و صنعت سینما واقعاً علاقمند بود. شبی در جلسه ای با حضور ایرانی و پروفیسور انکلساریا، تصمیمی گرفته شد که در تاریخ سینمای ایران نقطه آغاز است. اردشیر ایرانی موافقت خود را با تهیه اولین فیلم ناطق فارسی اعلام میدارد و سپنتا نویسنده داستان آن که از مدتها پیش منتظر چنین فرصتی بود عهده دار تهیه سناریو و اشعار و ترانه های فیلم میگردد. ولی باید صبر کنند تا بقیه فیلمهایی که استودیو دردست تهیه داشت خاتمه یابد و دستگاهها و تکنسین ها برای فیلم جدید آماده شوند. سپنتا صورت لوازم لباسها - تعداد هنر پیشگان - صحنه ها و دکور را به اردشیر میدهد. لباسها باید ایرانی باشد و از لباسهای موجود در استودیو که به سبک هند است

نمی‌توان استفاده کرد— کمپانی مشغول تهیه فیلم خام و سایر لوازم برای صحنه‌ها می‌گردد. هنرپیشگان مهم عبارتند از، روح انگیز در نقش گلنار— سپنتا در نقش جعفر— هادی در نقش گلی خان و سهراب در نقش رمضان اکنون صحنه فیلم «دختر لر» آماده فیلمبرداری است. نور تنظیم شده است، رستم ایرانی فیلمبرداری فیلم را به عهده دارد.

تصویر یا دوربین ۳۵ میلیمتری فیلمبرداری شده و صدا بطریق نوری «اپتیک» بر صحنه برداشته و حاشیه فیلم چاپ شده است. این فیلم نه فقط از نظر آنکه اولین فیلم ناطق فارسی است بلکه از آنجا که در ردیف فیلمهای اولیه سینمای ناطق در دنیا است. از نظر تکنیک سینما— نور— ضبط صدا— زبان مکالمه و موسیقی قابل تحقیق و مطالعه است. فیلم بایران آمد مورد استقبال مردم واقع شد و سرمایه اردشیر ایرانی بهدر نرفت. دومین فیلم فارسی بنام «فردوسی» به سپنتا واگذار میشود. فیلم بعدی «شیرین و فرهاد» بود اقتباس از داستان باستانی ایران. کلیه طرح لباسها دکور و مکالمات با توجه به نقوش باستانی و روایتهای تهیه شده است. هنرپیشگان این را سپنتا در سفر دوم خود از ایران به هند دعوت کرد خانم وزیری (در نقش شیرین) خانم ایران دختری در نقش ندیمه و آقای نصرت الله محتشم در نقش خسرو پرویز که با مهارت ایفا کردند. در این ایام سپنتا سناریوی فیلم «چشمهای سیاه» را آماده می‌سازد داستان حمله نادر به هندوستان و فتح لاهور بدست نادر است. فیلمبرداری چنین موضوعی در هندوستان کار مشکلی است. کمپانی امپریال با نظر محافظه کاری به سناریونگام می‌کند.

کمپانی دیگری بنام، کریشنا فیلم، در بمبئی داوطلبانه حاضر

میشود بدون هیچ قید و شرطی این سناریو را به فیلم درآورد و از
 مخاطره تعصبات ملی نمی هراسد. سانسور هندوستان بعضی
 قسمتهای آنرا که آتش زدن لاهور بدست نادر باشد تعدیل میسازد.
 فیلم بایران میآید باز مورد استقبال مردم واقع میشود. در نوامبر ۱۹۳۵
 فیلمبرداری لیلی و مجنون شروع میشود. لباس و گریم و نوتهای
 موزیک فیلم قبلاً به متخصصین داده شده است تا صحنهها آماده
 شود. سناریوی کامل فیلم امروز دست است، در این سناریو تعداد
 صحنهها (داخل یا خارج استودیو) تعیین شده و برای هر صحنه
 مکالمات حرکت هنرپیشه - لباس - نور - صدا - وسایل صحنه
 حرکت دوربین و یادداشتهای لازم برای ادیت (مونتاژ) فیلم و
 لابراتوار جداگانه بدقت تعیین شده است. کارگردانی و نقش
 مجنون را خود سینتا عهده دار بود - بقیه هنرپیشگان این فیلم
 عبارتند از: (خانم وزیری در نقش لیلی) (احمد شیرازی در نقش
 ابن سلام) (خانم مارکاز در نقش مادر لیلی) (منوچهر آریان در
 نقش عارف) (زاهد در نقش طفولیت قیس) (نورین در نقش
 کودکی لیلی) فیلم در سیزده هزار فوت و در سیزده حلقه بوده است.
 نمونه فیلم جداگانه در یک حلقه هزار فوتی است که امروز در دست
 است. سینتا در مدت اقامت در هند نظر کمپانیهای بزرگ را که با
 او همکاری کرده بودند به تأسیس یک کمپانی فیلمبرداری در
 ایران جلب کرد. و پس از جلب موافقت آنان برای مذاکره در این
 خصوص بایران آمد و نی در همین موقع جنگ جهانی دوم به منتهای
 اوج خود رسیده بود. فیلمهای فارسی هم گرفتار عوارض گمرکی
 بود و از این فیلمها همان عوارضی گرفته میشد که از فیلمهای
 کمپانیهای معظم هولیوید. عدم علاقه دولت وقت به اینکار و
 محدودیتهای دیگر او را از ادامه کارهای سینمایی منصرف کرد.



پروشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی